نیمهٔ پنهان
۶
روایتی داستانی از شکست عملیات پنجه عقاب در صحرای طبس
۲۸۹۲
تالیف: پروین نخعی مقدم

تحقیر کاخ سفید توسط امام خمینی دستان خالی کارتر را نشان داد

با این که نیروهای دلتا مخفیانه از اردوگاه پراگ خارج شده بودند، همه کارها در اردوگاه به روال عادی خودش جریان داشت. سرهنگ دوم پاتر و سروان اسمیت معاون دلتا، موظف بودند تظاهر کنند که دلتا هنوز در پراگ است. این امر همه پرسنل پشتیبانی اداری یعنی کارمندان، مسئولان تدارکات و پرسنل ارتباطات را که در آنجا مانده بودند، دربر می‌گرفت. آن‌ها مجبور بودند هر روز به میدان تیر بروند و تیراندازی کنند، وسیله نقلیه ویژه‌ای را که برای دلتا تعیین شده بود، در اطراف اردوگاه برانند، به تمام تلفن‌ها جواب بدهند و برای هر کسی جوابی معقول در نظر بگیرند، هیچ‌کس نباید درباره گروه رزمی مشترک [۷] حرفی بزند، این دستور ویژه فرمانده دلتا بود!

۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۹ آبان ۱۳۵۸)

الینور، منشی دفتر همیلتون با قیافه‌ای نگران وارد اطاق همیلتون شد و متن خبری را که از تهران مخابره شده بود، به او داد.

بر اساس این خبر آیت‌الله خمینی نه تنها گفته بود که تعدادی از گروگان‌ها به جرم جاسوسی محاکمه خواهند شد بلکه تهدیدهای نظامی آمریکا را به سخره گرفته بود.

برای همیلتون دیگر شکی باقی نماند که موضوع گروگان‌گیری به این زودی به پایان نمی‌رسد. شادی که از شنیدن خبر احتمالی آزادی تعدادی از گروگان‌ها بر کاخ سفید حاکم بود، به فاصله اندکی زایل شده بود. معلوم بود که نطق خشن کارتر در کنوانسیون که هفته قبل بیان شده بود، فایده‌ای که نداشت هیچ! ایران را بر سر خشم آورده بود. کارتر به صراحت گفته بود که ایران در برابر هر نوع آسیبی که به دیپلمات‌های آمریکا برسد، مسئول شناخته خواهد شد و ایالات متحده «در برابر باج‌خواهی و تروریسم بین‌المللی» تسلیم نخواهد شد.

جواب آیت‌الله در برابر این تهدید این بود که گروگان‌ها به اتهام جاسوسی محاکمه خواهند شد. برای لحظاتی پس از خواندن خبر، همیلتون بی‌صدا روی صندلی‌اش نشست و به نقطه‌ای بر روی کاغذ خیره ماند. می‌توانست تصور کند در حالی که او و دیگران در کاخ سفید نشسته‌اند، گروگان‌ها محاکمه و بعد اعدام می‌شوند. از تصور جسدهایی که بر طناب‌ها تاب می‌خوردند بر خودش لرزید، بعد گوشی را برداشت و شماره اتاق جودی پاول را گرفت.

– جودی! فوری خودت را به دفترم برسان.

لحظه‌ای بعد برژینسکی هم با متن کامل سخنرانی وارد شد و مطالب آن را برای همه با صدای بلند خواند. «آیت‌الله گفته بود که چرا باید بترسیم؟ کارتر طبل توخالی است، کارتر شهامت آن را ندارد که دست به اقدام نظامی بزند.»

صدای زنگ تلفن و تماس ونس، باعث شد تا برژینسکی ادامه ندهد، ونس اطلاع داد که رئیس‌جمهور از کمپ دیوید تماس گرفته و خواسته است تا همگی پاسخی برای آخرین بیانیه آیت‌الله خمینی تهیه کنند.

زمانی که ماندیل، ونس، برژینسکی، براون، ترنر، پاول و همیلتون در اتاق وضعیت ویژه دور هم جمع شدند، فضای شومی بر اتاق حاکم بود.

ونس که مانند همیشه سعی می‌کرد آرام و منطقی به نظر بیاید، قبل از همه گفت:، «خمینی سعی دارد تا ما را وسوسه کند و به دام بیندازد. باید درک کنیم که آن‌ها مایلند ما دست به کار تند و تحریک‌آمیز بزنیم تا موجب بسیج یکپارچه افکار عمومی علیه آمریکا شود. ما باید بازهم برای مدتی دندان روی جگر بگذاریم.»

موقع صحبت، از پشت عینکش به چهره تک‌تک حاضران نگاه می‌کرد تا بر تاثیر گفتارش مطمئن شود.

اما پیدا بود که برژینسکی از این گفته‌ها اصلا راضی نبود. در حالی که نگاهش به کاغذی که با مداد خط خطی کرده بود، خیره مانده بود، با لحنی لجوجانه گفت: «ممکن است آن‌ها برای به دام انداختن ما سعی کنند ما را وسوسه کنند ولی آن‌ها کشور و رئیس‌جمهوری ما را نیز تحقیر می‌کنند، آیا می‌توانید تصور کنید چقدر در چشم جهانیان بیچاره و درمانده به نظر می‌آییم؟»

جودی پاول پک عمیقی به سیگارش زد و رو به برژینسکی پرسید: «خب! در این اوضاع جهانی چه کاری از دست ما ساخته است؟ ما ورق‌های زیادی برای بازی نداریم و آنچه هم داریم، ورق برنده نیست. اگر حالا از آن‌ها استفاده کنیم، فقط خدا می‌داند به کجا کشیده خواهیم شد.»

به نظر همیلتون اما، همه این حرف‌ها بیهوده بود. او در حالی که سعی می‌کرد نه با ونس و نه با برژینسکی مخالفت کند، گفت: «به نظر من مسئله‌ای که اکنون ما به فوریت باید مورد توجه قرار دهیم، این است که چه گفتار و کرداری از سوی ما می‌تواند ایرانیان را از محاکمه افرادمان منصرف کند.»

*** لحظه‌ای بعد برژینسکی هم با متن کامل سخنرانی وارد شد و مطالب آن را برای همه با صدای بلند خواند. آیت‌الله گفته بود که چرا باید بترسیم؟ کارتر طبل توخالی است، کارتر شهامت آن را ندارد که دست به اقدام نظامی بزند.**

***

*** ممکن است آن‌ها برای به دام انداختن ما سعی کنند ما را وسوسه کنند ولی آن‌ها کشور و رئیس‌جمهوری ما را نیز تحقیر می‌کنند، آیا می‌توانید تصور کنید چقدر در چشم جهانیان بیچاره و درمانده به نظر می‌آییم؟**

***

*** رئیس‌جمهور به آرامی جواب داد: سایروس ونس! ممکن است او ما را دست انداخته باشد، ولی مثل این که دارد به هدفش می‌رسد. آیا مطالبی را که در مورد کشور ما و خود من گفته بود خوانده‌ای؟**

جودی پاول جواب داد: «در هر حال لازم است که هر چه سریع‌تر به بیانیه خمینی پاسخی داده شود و اگر فورا جواب ندهیم، به نظر خواهد رسید که اعتماد به نفسمان را از دست داده‌ایم.»

اما چه باید می‌گفتند؟ برژینسکی معتقد بود که «یک بیانیه توخالی» بدتر از آن است که هیچ اعلامیه‌ای ندهند.

سرانجام ونس گوشی تلفن اتاق وضعیت ویژه را برداشت تا با کارتر که در کمپ دیوید و در تعطیلات بود، تماس بگیرد.

بعد از دقایقی که به سکوت و زمزمه بین حاضران گذشت، ونس گوشی را زمین گذاشت و به همگی اطلاع داد که «رئیس‌جمهوری تصمیم گرفته است که برگردد. به عقیده او مردم آمریکا باید جریان را از دهان خودش بشنوند.»

جودی با لحن طعنه‌آمیزی اظهار کرد: «خب! حالا دیگر عالی شد! اگر او بازگردد، سطح توقعات بالا می‌رود، مطبوعات کلافه خواهند شد.»

به نظر او و همیلتون بهتر بود که رئیس‌جمهور در کمپ دیوید بماند و نشان ندهد که مسئله چندان اهمیتی دارد. اما یک ساعت بعد وقتی بالگرد رئیس‌جمهور، روی چمن نرم کاخ‌سفید نشست، معلوم شد که مسئله بیانیه آیت‌الله برای کارتر بیش از حد تصورشان بغرنج و ناراحت‌کننده بود. وقتی رئیس‌جمهور وارد اتاق کابینه شد، حالتی خشک و رسمی داشت. بعد از این که با قیافه‌ای عبوس سرش را به علامت سلام برای گروه تکان داد، از ونس خواست تا گزارشش را شروع کند.

تصویری که ونس ارائه می‌کرد، اصلا خوشایند نبود. در مدت هفده روزی که از تصرف سفارتخانه گذشته بود، ده نفر از کارمندان سفارت که اکثرشان زن بودند، توسط ایران آزاد شده بودند اما هنوز دهها کارمند سفارت که همگی متهم به جاسوسی بودند، در ساختمان سفارتخانه زندانی بودند.

ونس گفت: «آقای رئیس‌جمهور، ما باید تهدید خمینی را در زمینه محاکمه جدی بگیریم، ولی نباید بیش از حد از خودمان واکنش نشان دهیم، چون خمینی ما را دست انداخته است.»

رئیس‌جمهور به آرامی جواب داد: «سایروس ونس! ممکن است او ما را دست انداخته باشد، ولی مثل این که دارد به هدفش می‌رسد. آیا مطالبی را که در مورد کشور ما و خود من گفته بود خوانده‌ای؟»

کمی مکث کرد و افزود: «ما باید برای ایران عواقب جدی آسیب رساندن به حتی یک نفر از افرادمان یا محاکمه یکی از آن‌ها را روشن کنیم. من به عنوان رئیس‌جمهور این‌جا نخواهم نشست که شاهد محاکمه افرادم باشم! چون هر آن ممکن است از دیپلمات‌های ما به عنوان قسمتی از یک شیرین‌کاری بزرگ تبلیغاتی بهره‌برداری شود. چیزی که به اعتبار و حیثیت آمریکا در جهان آسیب خواهد رساند.»

کارتر مکث کوتاهی کرد و در حالی که عینکش را بر چشم می‌گذاشت، گفت: «از نظر من چنین برمی‌آید که ایران می‌تواند کماکان افراد ما را به صورت اسیر نگه دارد یا آن‌ها را محاکمه کند یا بکشد. ما هم می‌توانیم ایران را محکوم کنیم و رابطه سیاسی‌مان را با آن‌ها قطع کنیم. از میان راه‌حل‌های نظامی برای مجازات آن‌ها من می‌توانم دستور بدهم به هدف‌های اقتصادی مانند مناطق نفت‌خیز ضربه بزنند یا بنادر آن‌ها را مین‌گذاری و محاصره کنیم.»

سخنان کارتر، برژینسکی را بر سر شوق آورده بود.

ونس گفت: «آقای رئیس‌جمهور! به نظر من ما باید بین تهدید به محاکمه، شروع محاکمه و نتیجه احتمالی چنین محاکمه‌ای تمایز قائل شویم. به عنوان مثال ما در وزارت خارجه کارشناسانی در رابطه با ایران داریم که به نظر آن‌ها محاکمه می‌تواند در واقع مکانیسمی برای آزادی گروگان‌ها باشد. کارشناسان من می‌توانند به عنوان نمونه پیش‌بینی کنند که ایرانی‌ها افراد ما را محاکمه خواهند کرد و حتی آن‌ها را به عنوان جاسوس مقصر خواهند شناخت اما در نهایت با یک ژست عطوفت اسلامی ترتیبی داده خواهد شد که آیت‌الله خمینی آن‌ها را مورد عفو قرار دهد و از ایران اخراج کند...»

در این موقع ترنر به میان سخنان ونس آمد و با اطمینان گفت: «اشتباه نکنید! حرف‌هایی که آیت‌الله خمینی در زمینه جاسوسان و محاکمه آن‌ها می‌زند، تنها لفاظی سیاسی نیست، متخصصین امور ایران در سیا بر این باورند که او واقعا معتقد است، این افراد جاسوس هستند و از این نظر وی کاملا محق خواهد بود که آن‌ها را محاکمه یا اعدام کند»[۸]

برژینسکی در حالی که سرش را به علامت نفی تکان می‌داد، در جواب ترنر گفت:

– این حرف‌ها و تهدیدها پوشالی است. اگر به تاریخ توجه کنیم، می‌بینیم وقتی که فرمانروایان درصدد مصالحه باشند، به قدرتی علیه خود دامن می‌زنند اما اگر تهدیدکنندگان با مشت آهنین روبرو شوند، حساب کار دستشان می‌آید.

فریتز ماندیل، معاون رئیس‌جمهور به طور معمول در جلسات مشاوره‌ای کمتر حرف می‌زد؛ چرا که او می‌دانست برژینسکی بر تصمیمات کارتر تاثیر بسیاری دارد و اگر او تصمیم به انجام کاری را داشته باشد، تلاش دیگران کم‌نتیجه خواهد بود. با این حال بعد از شنیدن حرف‌های برژینسکی گفت: «آقای رئیس‌جمهور! من کاملا موافقم که اگر آنها افراد ما را محاکمه کنند، برای ما غیرقابل تحمل خواهد بود که اینجا بنشینیم و تحمل کنیم اما من هم معتقدم که مسئله محاکمه گروگان‌ها یک بلوف سیاسی نیست! آنها واقعا این کار را می‌کنند و ما باید متوجه نقشی باشیم که حضور شاه در آمریکا دارد. به عقیده من اکنون ابتکار عمل در دست خمینی است. بنابراین باید ترتیبی بدهیم تا شاه هر چه سریع‌تر به مکزیک برگردانده شود تا بهانه را از دست ایران بگیریم. این باید مهم‌ترین کار ما باشد. من نمی‌توانم این تصور را در ذهن خود بپذیرم، تا زمانی که شاه در ایالات‌متحده باشد و دولت ما نقش قیم او را بازی می‌کند، تندروهای مبارز، گروگان‌ها را آزاد کنند.»

طبیعی بود که برژینسکی از سخنان ماندیل ناراحت شود. او این طور استدلال کرد که اگر ما شاه را با عجله از آمریکا خارج کنیم، کار درستی انجام نداده‌ایم و من می‌ترسم که خمینی این موضوع را به عنوان نشانه دیگری از ضعف ما تلقی کند. اما به عقیده ونس و ماندیل این یک تغییر استراتژی موقت و لازم بود.

دقایقی بعد کارتر به ونس دستور داد تا گزارشی را درباره بررسی وضعیت خروج شاه از آمریکا تهیه کند. اما در عین حال باید متنی تهیه می‌شد که اشاره به پیامدهای محاکمه گروگان‌ها از سوی ایران می‌کرد. به اعتقاد کارتر دولت ایران تا حد ممکن اثر نامطلوب این اقدام را باید خطرناک تصور می‌کرد. اما لازم بود که حد و مرز اقدام آمریکا بر علیه این عمل گنگ و مبهم باشد.

***

بعدازظهر آن روز همیلتون با اتومبیل در راه کمپ دیوید بود. به این امید که برای چند روزی ذهنش از خیال رقابت با کندی و بیانیه‌های آیت‌الله خمینی آسوده شود اما وقتی خواهرزاده‌اش جی ۱۲ ساله، خیلی جدی درباره گروگان‌ها از او پرسید که «چرا رئیس‌جمهور در این مورد کاری نمی‌کند؟» او خود را آشفته‌تر از زمانی دید که در کاخ‌سفید بود. جی به وضوح به او گفت که «اکثر دوستان من در مدرسه می‌گویند که جیمی کارتر شهامت هیچ کاری را ندارد.»

همیلتون با شنیدن این جمله در دلش آرزو کرد که پیش از شروع انتخابات، این بحران تمام شود. کارتر واقعا داشت شانس‌هایش را برای ریاست‌جمهوری دوباره از دست می‌داد.

***

بعد از دو روز که از تلاش‌های دیپلماتیک می‌گذشت جواب تلگراف‌هایی که ونس به پایتخت تمام کشورهای دوست آمریکا در سراسر جهان مخابره کرده بود، ناامیدکننده بود. تنها دعوت از سوی انورسادات شاه مصر بود. حتی مکزیکی‌ها هم که پیش از این به شاه پناه داده بودند، از صدور ویزا برای بازگشت او به مکزیک امتناع می‌کردند.

با این که هوای نوامبر سرد و خشک بود، برای حل مشکلی که به نظر بسیار بغرنج می‌آمد، همه نفرات کاخ سفید در تحرک بودند. شاید اگر همیلتون جردن خبر داشت که کارتر او را انتخاب کرده تا برای دیدن توریخوس، ژنرال پانامایی به این کشور سفر کند، وقتی نامش را چند بار از بی‌سیم مخصوص صدا زدند، دچار اضطراب کمتری می‌شد. در طول مدت سیزده سالی که با کارتر کار کرده بود، هر وقت او را احضار می‌کرد قدری نگران و دستپاچه می‌شد.

کارتر می‌دانست پیش از این که دنیا به این نتیجه برسد که دیگر شاه برای برگشتن به ایران شانس ندارد، برخی از کشورها از جمله پاناما از او برای اقامت در این کشور دعوت کرده بودند. آیا هنوز هم ممکن بود که توریخوس شاه را بپذیرد؟ این مسئله تنها وقتی مشخص می‌شد که یک نفر از کاخ سفید با او ملاقات می‌کرد. چه کسی بهتر از همیلتون که از بس با این ژنرال دیدار کرده بود، به او لقب «سفیر پاناما» را داده بودند. به اعتقاد کاخ سفید، توریخوس مرد قابل پیش‌بینی نبود، او تنها رهبری در دنیا بود که می‌توانست با یک دست با فیدل کاسترو دست بدهد و با دست دیگرش دست رئیس‌جمهور آمریکا را بفشارد. اما از طرفی رابطه اقتصادی پاناما با آمریکا و سابقه سنتی این کشور در میزبانی از تبعید شده‌ها، فراری‌ها و مخالفان سیاسی، این امیدواری را به وجود می‌آورد که او کمک کردن به کارتر را بر دیگران ترجیح خواهد داد. تقریبا همگی می‌دانستند که ژنرال بیش از حد دوست دارد مورد توجه دیگران واقع شود، به همین دلیل هم لازم بود تا همیلتون فوری و مخفیانه به پاناما برود و رو در رو با ژنرال توریخوس مذاکره کند.

۷- گروه رزمی مشترک متشکل از دلتا و بخش‌هایی از نیروی هوایی و دریایی و رنجرها بود که برای ربودن گروگان‌های آمریکایی در ایران تشکیل شده بود.

۸- انتشار اسناد لانه جاسوسی آمریکا به جهانیان ثابت کرد که سفارت آمریکا در ایران تنها به صرف جاسوسی ایجاد شده بود. کارمندان سفارت به طور مرتب در ایران به کار جمع‌آوری اطلاعات مشغول بودند و گفتار امام در این باره کاملا بر اساس واقعیت موجود بود.

در گزارش ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ (۲۷ شهریور ۱۳۵۸) وابسته دفاعی آمریکا چنین آمده است: «به مراجعه‌کنندگان در صورتی ویزا داده یا ویزای آنها تمدید می‌شود که اطلاعاتی که برای دولت آمریکا مفید باشد، از آنها به دست آید.»

به نقل از روابط بدفرجام ایران و آمریکا؛ شیروعقاب، جیمزا، بیل. ترجمه: دکتر فروزنده برلیان، نشرفاخته، ۱۳۷۱، ص ۳۸۵

دادگاه هشتاد و هشت
۴۰
مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات و اعترافات متهمان وقایع پس از انتخابات

سعید حجاریان از ملاقات با نظریه‌پردازان نافرمانی مدنی تا تحریک مردم به آشوب‌های خیابانی

*** سعید حجاریان کاشانی برابر تحقیقات به عمل آمده با یورگن هابر ماس مشهورترین نظریه‌پرداز نافرمانی مدنی و پروژه مبارزه مدنی در ایران ملاقات داشته است ضمناً وی با بنیاد سوروس که متعلق به فردی یهودی آمریکایی به نام جرج سوروس می‌باشد و هدف نامبرده راه‌اندازی انقلاب‌های رنگی و ایجاد دموکراسی [دارای] ریشه در غرب می‌باشد، نیز ارتباط و ملاقات داشته است. حجاریان در جهت سلب آسایش مردم و اخلال در نظم و ایجاد رعب و وحشت، افراد را تحریک به ایجاد تجمعات غیرقانونی مقابل سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی می‌نمود. وی همچنین در سخنرانی‌های مکتوب و ملاقات خود در زمان انتخابات توهین و افترا به مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی از جمله مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری و خبرگان رهبری نموده است.**

کیفرخواست انفرادی و دفاعیات

متهمین دادگاه چهارم

متهم سعید حجاریان

ضمن تشکر، از معاون محترم دادستان خواسته می‌شود کیفرخواست انفرادی آقای سعید حجاریان را قرائت کنید!

منتهی ابتدا آقای سعید حجاریان خود را معرفی کنند! بلندگو را هم در اختیار ایشان قرار دهید!

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم، من سعید حجاریان کاشانی فرزند علی‌محمد متولد سال ۱۳۳۲ دارای شماره شناسنامه ۴۲۵۸۸ صادره از تهران هستم و از محضر دادگاه تقاضا دارم که متنی را که قبلا آماده کرده‌ام در دادگاه قرائت شود، چون خودم مشکل اختلال در تکلم دارم آقای سعید شریعتی آن را قرائت کنند و بعد از آن هم آقای صالحی وکیل بنده درباره موارد اتهامی پاسخگو خواهند بود، با عرض معذرت.

نماینده دادستان: رب بما انعمت علی فلن اکون ظهیرا للمجرمین.

ریاست محترم دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران!

همان‌گونه که استحضار دارید پس از حضور حداکثری مردم خدادوست و پرافتخار ایران اسلامی در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و لبیک به دعوت مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» و سایر مسئولین نظام در تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل «رحمت‌الله علیه» در سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی که برگ زرینی در مردم‌سالاری دینی و رکوردی بی‌سابقه از حضور مردم در جهان به ثبت رسانید، جریانی معاند با افتخارات نظام اسلامی در داخل و خارج از کشور درصدد ایجاد فتنه و سیاه‌نمایی این افتخار عظیم و اخلال در نظم و امنیت جامعه و تشویش اذهان عمومی برآمد و با بهره‌گیری از رسانه‌های معاند و افراد فرصت‌طلب و ارتباط با بیگانگان و استفاده از همه ظرفیت گروه‌های ضدانقلاب که از سالها قبل درصدد فرصتی برای ضربه زدن به امنیت میهن اسلامی ما بودند با طراحی توطئه و سناریوی فریب‌کارانه ادعای تقلب و جعل در انتخابات سعی در تبدیل نمودن یکی از بزرگترین افتخارات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران به چالش امنیتی و حربه تبلیغاتی براندازانه علیه نظام داشتند.

در همین راستا متهم پرونده علی‌رغم علم و اطلاع از غیرقانونی بودن تجمعات و اغتشاشات و حساسیت زمانی پس از انتخابات و ضد مصالح امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بودن این حرکات به لحاظ اطلاع رسانی‌ها و روشنگری‌های مکرر و متعدد رسانه‌های دیداری و شنیداری و مکتوب داخلی و توصیه مسئولین و دلسوزان نظام از جمله مقام معظم رهبری دام‌ظله بر لزوم پیگیری قانونی اعتراضات از طریق مبادی و مراجع قانونی اقدام به حضور در تجمعات غیرقانونی و مشارکت در ایجاد اغتشاش و بلوا و آشوب پس از انتخابات نموده است. اقدامی که با فراخوان رسانه‌های معاند و ضدانقلاب و افراد آشوب‌طلب داخلی صورت گرفته و علاوه بر سلب آسایش عمومی موجب ایجاد فضای التهاب‌آلود سیاسی و اجتماعی، ناامنی روانی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد هزینه‌های امنیتی در مقابل حاکمیت، اختلال در نظم و عبور و مرور روزانه شهروندان، تخریب و احراق گسترده اموال عمومی، دولتی و خصوصی، ایجاد رعب و ترس و اخافه و ایراد خسارت جانی و مالی به مردم، ایجاد فضای تبلیغاتی منفی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و به نفع گروه‌های معاند و مخالف نظام و اخلال در امنیت کشور گردید.

لهذا با توجه به دستگیری متهم در صحنه ارتکاب جرم توسط ماموران امنیتی و انتظامی حین اقدام علیه امنیت و ایجاد اغتشاش و بلوا و آشوب به شرح محتویات پرونده و گزارش اعلامی اتهام وی ثابت و محرز می‌باشد. بنا به مراتب آتی به استناد ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ مبادرت به صدور کیفرخواست می‌نماید:

الف: هویت متهم: آقای سعید حجاریان کاشانی فرزند علی‌اکبر، اهل تهران، ساکن تهران، بازداشت با قرار بازداشت موقت، فاقد پیشینه محکومیت کیفری، شغل بازنشسته.

ب: اتهام متهم: ۱- اقدام علیه امنیت داخلی کشور به وسیله تحریک، آشوب و تجمعات غیرقانونی. ۲- القای شبهه جعل و تقلب در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران. ۳- مشارکت در تهیه و تنظیم سند تأملات راهبردی خلاف قانون اساسی. ۴- تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. ۵- ارتباط با عوامل بیگانه علیه امنیت کشوری، تحریک اقشار جوان دانشجو و ترغیب آنان در اعتراض و تحصن و راهپیمایی‌های غیرقانونی علیه دستگاه‌های نظارتی و اجرایی انتخابات. ۶- تخریب دولت قانونی به واسطه انتساب اتهامات واهی و افترا به وسیله مقالات و سخنرانی‌های مکتوب خصوصا در جریان انتخابات دهم و همکاری با شبکه بی‌بی‌سی فارسی و ضد انقلاب. ۷- توهین و اهانت به مسئولین نظام و مقام معظم رهبری.

ج) مکان بازداشت وی تهران بوده است.

د: دلایل و مستندات اتهام: ۱- گزارش و تحقیقات گسترده مرجع امنیتی (معاونت اطلاعات قرارگاه ثارالله در خصوص متهم موصوف). ۲- اقاریر متهم به ارتکاب بزه‌های انتسابی مطروحه در پرونده. ۳- گردش کار نهایی شماره ۲۰/۲۷۰۰/۰۱۸۷۲/ص ط-۸۸/۵/۲۲ معاونت اطلاعات قرارگاه ثارالله مبنی بر اینکه متهم مذکور یکی از مؤثرترین افراد در جهت تحریک و تشویق افراد به حضور در تجمعات غیرقانونی و انجام اعمال غیرمتعارف و ایجاد اغتشاش و بلوا و نیز تحریک و تخریب و تحریق اموال عمومی و خصوصی در جهت اخلال در نظم و امنیت عمومی بوده است. نامبرده با انتشار نامه‌های مجعول به منظور مخدوش نمودن نتیجه انتخابات و القای شبهه جعل و تقلب در جریان دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اقدام به تهمت و افترا و توهین و مطالب کذب نسبت به مسئولین و نهادهای رسمی کشور از جمله شورای محترم نگهبان نموده و از طریق ایراد الفاظ رکیک و مطالب سخیف و کذب خوراک‌های تبلیغاتی را در راستای تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی برای شبکه‌های خبری بیگانه و رسانه‌های معاند و ضد انقلاب فراهم می‌نمود. متهم مذکور طی دو مرحله با آقای جان کین (مغز متفکر سرویس اطلاعات خارجی انگلستان مربوط به MI6) ملاقات و مذاکراتی می‌نماید.

قابل ذکر است آقای جان کین در سال ۱۹۹۴ میلادی پروژه جامعه مدنی ایران را در مرکز مطالعات دموکراسی لندن پایه‌گذاری کرده و نامبرده را موثرترین فرد در تئوری سیاسی انگلیس و نیز [شرکت در] ماموریت‌های برون‌مرزی مهم از جمله عملیات فروپاشی حکومت‌های اروپای شرقی می‌توان نام برد.

متهم سعید حجاریان کاشانی نیز برابر تحقیقات به عمل آمده با آقای یورگن هابر ماس مشهورترین نظریه‌پرداز نافرمانی مدنی و پروژه مبارزه مدنی در ایران ملاقات داشته است. ضمنا اشاره می‌گردد متهم با بنیاد سوروس که متعلق به فردی یهودی آمریکایی به نام جرج سوروس می‌باشد و هدف نامبرده راه‌اندازی انقلاب‌های رنگی و ایجاد دموکراسی [دارای] ریشه در غرب می‌باشد، نیز ارتباط و ملاقات داشته است. نامبرده در جهت سلب آسایش مردم و اخلال در نظم و ایجاد رعب و وحشت، افراد را تحریک به ایجاد تجمعات غیرقانونی مقابل سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی می‌نمود. متهم مذکور در سخنرانی‌های مکتوب و ملاقات خود در زمان انتخابات توهین و افترا به مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی از جمله مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری و خبرگان رهبری نموده است.

۴- سایر قراین و امارات موجود در پرونده.

هـ: دلایل قانونی درخواست مجازات: اتهامات نامبرده با توجه به مجموع محتویات پرونده و دلایل و مستندات موجود منطبق است با مواد ۵۰۰، ۶۹۷، ۵۱۴، ۶۱۸، ۶۱۰، ۶۰۹ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی با رعایت مواد ۴۶، ۴۲ و ۴۷ قانون مرقوم. بناء علی هذا با توجه به مطالب صدرالذکر و مجموع محتویات پرونده به لحاظ اهمیت موضوع و میزان خسارت وارده به کشور و اعتماد عمومی جامعه و همسویی با رسانه‌های معاند و گروه‌های مخالف نظام و اخلال شدید در نظم و امنیت جامعه محاکمه و اشد مجازات برای متهم مذکور را درخواست دارم.

بعد از قرائت کیفرخواست انفرادی آقای سعید حجاریان، قاضی صلواتی از سعید شریعتی خواست که متن دست‌نوشته آقای سعید حجاریان قرائت شود.

سعید شریعتی: بسم‌الله الرحمن الرحیم، با عرض سلام خدمت ریاست محترم دادگاه و عرض تبریک حلول ماه مبارک رمضان و آرزوی قبولی طاعات جنابعالی و حضار محترم، من پیش از اینکه متن جناب آقای دکتر حجاریان را قرائت کنم، [توضیح دهم] که متن ۶ صفحه‌ای است که با قلم خودشان تنظیم کرده‌اند و در حقیقت توضیحاتی در مورد مواضع سیاسی و علمی خودشان است و دفاعیات حقوقی را وکیل محترم ایشان انجام می‌دهند، این نکته اول.

*** سعید حجاریان: من هم در این انتخابات با ارائه تحلیل‌های ناصواب مرتکب خطاهای سهمگین شده‌ام که از آنها تبری می‌جویم چون قطعا مورد رضای محبوب عالمیان نیست و موجب ندامت است. من به خاطر این تحلیل‌های ناصواب که مبنای بسیاری از اعمال نادرست قرار گرفته از ملت عزیز ایران عذرخواهی می‌کنم.**

***

نکته دوم هم عرض کنم که به هر حال دوستان خبرنگار مطلع هستند که معمولا من این افتخار را داشته‌ام که مطالب آقای حجاریان را بخوانم علی‌القاعده این دفعه هم این افتخار به من داده شده است. من همین‌جا از مجموعه دانشگاهیان، دانشجویان و خبرگان و نخبگان کشور که معمولا سخنان جناب آقای حجاریان برای ایشان حائز اهمیت و قابل تامل بوده، شخصا درخواست می‌کنم که به این متن مثل سایر متون جناب آقای حجاریان توجه ویژه کنند و آن را در آینده مورد بررسی دقیق و نقد و نظر قرار دهند که به اعتقاد من متنی بسیار راهگشا و جدی است.

در عین حال بنده هم به عنوان یک عضو جبهه مشارکت محضر شما عرض کنم که در کنگره یازدهم سعید حجاریان نفر اول لیست شورای مرکزی جبهه مشارکت بود و سعید شریعتی نفر آخر لیست جبهه مشارکت یعنی اول و آخر جبهه مشارکت الان در محضر دادگاه هستیم. من متنی را هم خودم تنظیم کرده‌ام که با دلالت آقای مرتضوی و مشورت ایشان اجازه خواستم که خیلی سریع حسن سوءاستفاده[!!] را بکنم و متن خودم را هم بخوانم، اگرچه هنوز کیفرخواست بنده تقدیم دادگاه نشده است.

متن کامل دفاعیه سعید حجاریان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ریاست محترم دادگاه

در جریان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و وقایع پس از آن متاسفانه حوادثی رخ داد که قلب همه دلسوزان سرنوشت کشور را به درد آورد، از شعارهای وهن‌آلود بگیر تا قانون‌شکنی‌های آشکار و صدمه به اموال شخصی و عمومی و حتی قتل و جرح که تاکنون در هیچ انتخاباتی سابقه نداشته و سایه کدورت خود را بر زلال چهل میلیون رای مردم افکند و دشمنان این مرز و بوم را به طمع خام انداخت که شاید بتوانند از این وضع گل‌آلود ماهی مراد را صید کنند.

من به شخصه خود را از این همه جور و عدوان که بر مردم و نظام اسلامی‌مان رفته بری می‌دارم و انزجار و تنفر خود را از کلیه تحرکات که امنیت کشور را به خطر انداخته ابراز می‌کنم. کشور عزیزمان ایران در منطقه پرتلاطمی قرار دارد و لااقل دو جنگ خانمانسوز در شرق و غرب کشورمان در جریان است. از سویی دیگر بسیاری از کشورها مدارج توسعه و پیشرفت را با شتاب طی می‌کنند و دریغ است ایران که از نعمت امنیت در این منطقه آشوب‌زده برخوردار است، هم پای دیگران تعالی و ترقی نیابد.

دشمنان با تحریم‌ها و تحریک‌های متعدد تلاش دارند مانع این روند شوند اما وظیفه ما حفظ وحدت و انسجام ملی است و باید هوشیارانه مانع رخنه در صفوف ملت شویم. هر یک از ما اگر پا را از یک انتخابات سالم فراتر گذاشته و نعمت امنیت را که پشتوانه توسعه اقتصادی است متزلزل کنیم نزد وجدان خود و نسل‌های آینده و از همه بالاتر پروردگار عالمیان باید انابه کنیم و طلب بخشایش نماییم.

من هم در این انتخابات با ارائه تحلیل‌های ناصواب مرتکب خطاهای سهمگین شده‌ام که از آنها تبری می‌جویم چون قطعا مورد رضای محبوب عالمیان نیست و موجب ندامت است. من به خاطر این تحلیل‌های ناصواب که مبنای بسیاری از اعمال نادرست قرار گرفته از ملت عزیز ایران عذرخواهی می‌کنم.